



پاسخ معاون امور جنگل سازمان منابع طبیعی به منتقدان «جنگلداری نوین»

# دنبال تأمین نیاز چوبی از هیرکانی نیستیم

■ اگر تمام درختان شکسته و افتاده جنگل های هیرکانی را اندازه گیری کنیم و بگوییم حتی یک تکه چوب هم نباید روی کف جنگل باقی بماند، باز هم حجم آن به میزان بهره برداری رسمی سال ۱۳۹۶ از درختان زنده نمی رسد

دیدگاه |

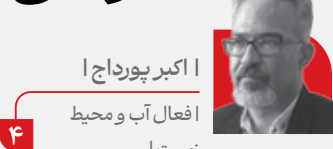
## حرفه ای گری به معنای مسئولیت پذیری است



آرش رضوانی شوشتری  
امری و مدیر فدراسیون  
موتورسواری واتومبیلرانی | ۸

یادداشت |

## سمن ها در تنگنای حکمرانی



اکبر پوراج |  
افعال آب و محیط  
زیست | ۴

یادداشت |

## تجربه ای که تکرار می شود

نقدی بر فراموشی تجارب شهری با نگاهی به پروژه «قبرستان نو»



اسید محمود چاوشی |  
ارموتگر |

هرکسی که در عرصه پروژه های شهری یا سازمان های دولتی فعالیت داشته باشد، به خوبی دریافته است که مسیر اجرا همواره با چالش های پیش بینی ناپذیری همراه است. این چالش ها نتهتها در لایه های فنی و اجرایی بروز می کنند، بلکه ممکن است ریشه در ساختارهای مدیریتی، الگوهای تصمیم گیری و حتی فرهنگ سازمانی نیز داشته باشند. باین حال، آنچه یک پروژه را از دیگری متمایز می کند، نوع مواجهه و مدیریت آن است؛ مواجهه ای که می تواند یا به یادگیری جمعی بینجامد یا به تکرار مکرر خطاها منجر شود.

تجارب میدانی نشان می دهد که شماری از پروژه ها نتهتها در مراحل ابتدایی با دشواری های فراوانی روبه رو هستند، بلکه سال ها پس از بهره برداری نیز آثار منفی پنهانی بر جای می گذارند که هزینه های اجتماعی و اقتصادی آن ها، در بسیاری از موارد، از منافع اولیه پروژه فراتر می رود. جالب است که گاهی الگوی مشابهی از این آسیب ها در شهرهای دیگر نیز تکرار شده است. این موضوع نشان می دهد که ما به جای مواجهه با مجموعه ای از اشتباهات موردی و اتفاقی، با یک مسئله ساختاری مواجه هستیم.

به عنوان مثال، ممکن است در انتخاب مشاور به لایل گوناگون، از جمله ناهمخوانی تخصص مشاور با ماهیت نمادین پروژه، انتخاب نامناسبی صورت گیرد یا ممکن است در انتخاب پیمانکار صرفا به حداقل قیمت ها توجه شود و سابقه موفقیت در پروژه های مشابه از معیارهای اصلی داوروی خارج شود؛ موضوعی که می تواند از همان ابتدا مشکلات متعددی را به دنبال داشته باشد. در چنین مواقعی، احتمال دارد بار سنگین این انتخاب بر دوش ناظر یا مدیر بیفتد که خود نقشی در گزینش اولیه نداشته است و در اینجا، مقصر دانستن یک فرد معمولاً ساده ترین راه حل نمایشی برای توجیه شکست هاست. به علاوه، در مواردی مشاهده می شود که به دلیل ساختارهای طولانی سلسله مراتب، شایستگی های کارکنان ردیابین به درستی دیده نمی شود و مدیران میانی، به ناچار و برای پیشبرد کار، تمرکز تصمیم گیری را در اختیار خود نگه می دارند. این یک آسیب ساختاری است و لزوماً خواست فردی نیست.

عدم انتقال تجربه

اما آنچه این مسئله را از یک مشکل مدیریتی به یک معضل اجتماعی . توسعه ای ارتقا می دهد، پدیده «فراموشی نهادی» است؛ یعنی از دست دادن نظام مند توانایی سازمان در بازخوانی تجارب پیشین، اعم از موفق و ناموفق. در برخی نظام های مدیریت شهری ایران، نتهتها تجربیات منفی ثبت و تحلیل نمی شوند تا تکرار نشوند، بلکه به درستی دیده نمی شود و مدیران میانی، به ناچار و برای پیشبرد کار، تمرکز تصمیم گیری را در اختیار خود نگه می دارند. این یک آسیب ساختاری است و لزوماً خواست فردی نیست.

اعتراضات و توقف

با انتشار این اخبار موجی از نگرانی و اعتراض در فضای مجازی و میان شهروندان قمی شکل گرفت. محور اصلی این اعتراضات، دغدغه شهروندان نسبت به تخریب احتمالی قبور، به ویژه مشاهیر و علمای مدفون در این آرامستان، و نادیده گرفته شدن حریم عاطفی و شرعی این مکان بود. بسیاری از شهروندان، پروژه را به «وادی السلام دوم» تشبیه کردند و خواستار توقف آن شدند.

در همین حین، «اوقاف قم» نیز رسماً اعلام کرد که به عنوان متولی موقوفه، با هرگونه تغییری که حرمت قبور را مخدوش کند، مخالف است و پیش از هر اقدامی باید طرحی مورد توافق طرفین ارائه شود. این مخالفت حقوقی عملاً پروژه را در میانه راه متوقف کرد. شهرداری که تا پیش از این تخریب مغازه های اطراف را انجام داده و زمین را برای اجرای طرح آماده کرده بود، با مانعی جدی روبه رو شد.

تغییر رویه

این مسائل تا تابستان ۱۴۰۵ ادامه یافت و نهایتاً در آغاز ماه محرم، عملیات تخریب آغاز شد. نگارنده دقیقاً سه روز پیش از تخریب، یادداشتی با عنوان «پارک مردگان» در همین روزنامه منتشر کرد و در آن به دلایل مخالفت خود با این طرح پرداخت. از آن زمان تاکنون، اخبار و یادداشت های متعددی دراین باره منتشر شده است.

کارزاری با ۱۴۰۵ امضا خواستار توقف طرح شد و سرانجام «شهرداری قم» به این نتیجه رسید که برای این کار با مردم گفت و گو کنند. نخستین جلسه در تاریخ ۱۴۰۵/۰۴/۰۳، مصادف با ششم مهر، پس از تخریب کامل مقابر سمت خیابان و با حضور شهردار محترم قم در سالن جلسات شهرداری برگزار شد و نظرات گوناگونی شنیده شد. پس از آن، دو جلسه دیگر نیز تشکیل شد.

آخرین جلسه نیز پس از آغاز خاک برداری خیابان و مسدود شدن ورودی اصلی قبرستان، در تاریخ ۱۴۰۵/۰۴/۰۲، در محل «سازمان بهسازی و زیباسازی شهر» و با حضور جناب آقای «علیرضا خاکی» برگزار شد. مباحث جدیدی مطرح و خبر تازه ای منتشر شد: مدیرعامل محترم «سازمان بهسازی اطراف حرم مطهر» از برگزاری جلسات تا گروهی طراحی با حضور قی پنهان، معماران و شهرسازان خبر داد و از رویکرد مدیریت شهری در این پروژه سخن گفت. در این روایت، کلیه دوازه های «باغ موزه» و «توسعه گردشگری» جای خود را به «حداقل مداخله»، «ساماندهی عاجل» و «حفظ هویت تاریخی» دادند. همچنین تأکید شد که این پروژه «در هماهنگی با اوقاف» پیش می رود و هدف، «ارتقای کیفیت» بدون تخریب قبور است.

در این جلسه، مواردی از سوی نگارنده مطرح شد که به شرح زیر است:

«در برخی موارد، ارتباط افراد تحصیل کرده با عموم جامعه قطع می شود و این امر باعث می شود حساسیت های اقشار مختلف در طرح های شهری نادیده گرفته شود. ممکن است طراحان محترم برخی مسائل را پیش یا افتاده یا حتی خرافات بپندارند، اما واقعیت این است که در جایگاه تصمیم گیری باید به نظرات همه گروه های اجتماعی توجه کرد. یکی از راه حل های مؤثر، توزیع پرسشنامه و گفت و گو می میدانی با مردم است؛ تجربه نشان داده است که تصمیمات یک طرفه و صرفاً حاکمیتی در این گونه موارد با چالش یا شکست روبه رو می شوند. افزون بر این، هر اثر شهری کاربری های آشکار و پنهانی دارد که ممکن است طراح در ابتدای کار از آن ها بی خبر باشد. بنابراین، شایسته است پیش از هرگونه تخریب، در جامعه شناسان با تجربه برای شناسایی این لایه ها کمک گرفته شود.»

ادامه ماجرا

اما گفت و گو درباره این قبرستان همچنان ادامه دارد و در روزهای

اخیر جناب آقای «محمود مسگری»، سخنگوی محترم «شورای اسلامی شهر قم»، در ویدئویی منتشر شده، نسبت به آنچه او به عنوان درخواست مدیران اوقاف برای احداث مجموعه اقامتی در قسمتی از قبرستان عنوان کرده است، انتقاد کرد.

این موضوع نشان می دهد که در هر پروژه، جوانبی ناپیدا وجود دارد که تأثیری بسزا بر روند آن دارد و می تواند تنش های متعددی ایجاد کند؛ تنش هایی که چه بسا مدیران جوان از آن ها بی اطلاع اند.

آنچه در قضیه «قبرستان نو» رخ داد، نمونه ای کلاسیک از برخورد «منطق توسعه شهری» با «منطق حافظه تاریخی و عاطفی جامعه» است. مدیریت شهری، بدون توجه کافی به ذی نفعان متعدد این فضا، طرحی را آغاز کرد که به سرعت با مخالفت روبه رو شد. فشار افکار عمومی، همراه با مانع حقوقی اوقاف، باعث تغییر گفتمان شد. این تغییر گفتمان، اگرچه به خودی خود اقدامی مثبت است، چرا که از تشدید تنش ها جلوگیری کرد، اما تا زمانی که به تغییر ساختار تصمیم گیری منجر نشود، صرفاً یک «مدیریت بحران» خواهد بود، نه یک «آموخته نهادی». حضور مردم در کارگروه ها، شفافیت در ارائه جزئیات طرح و تعریف مکانیسم هایی برای نظارت مستمر بر اجرا، الزامی هستند که اگر محقق نشوند، این تجربه نیز مانند صدها تجربه مشابه، به باگانی فراموشی های نهادی خواهد پیوست و سال های بعد، در پروژه های دیگر و یا قالبی دیگر، تکرار خواهد شد.

در چنین شرایطی، راهکار نه بازگشت به روش های سنتی انتقال تجربه است که خود چار سوگیری و تحریف بودند و نه انتظار برای تغییر خود به خودی در مدیران؛ بلکه اتخاذ تدابیر عملی و عینی برای ثبت و انتقال تجربیات این پروژه، یکی از پیشنهادات است. آنچه در پروژه «قبرستان نو» رخ داد، یک مطالعه موردی ارزشمند است که می تواند برای پروژه های مشابه در آینده، منبعی غنی از درس آموخته ها باشد، به شرط آنکه به درستی ثبت و تحلیل شود.

پیشنهادهات

نخستین و ضروری ترین اقدام، ثبت و پیاده سازی دقیق همه جزئیات مرتبط با پروژه است؛ از جلسات برگزار شده و بازخوردهای مطرح شده در آن ها تا نظرات کارشناسی ارائه شده از سوی اعضای کارگروه ها و حتی مخالفت ها و نقدهایی که در حاشیه یا در فضای عمومی مطرح شده اند. این مجموعه، نه به عنوان یک گزارش اداری سطحی، بلکه به صورت یک سند تحلیلی منسجم، می تواند در قالب یک کتاب یا گزارش مفصل منتشر شود تا در دسترس همه ذی نفعان، پژوهشگران و مدیران آینده قرار گیرد. البته در شرایط فعلی زیرساخت لازم برای انتشار جامع این گزارش ها پیش بینی نشده است، اما پیشنهاد می شود شهرداری، به عنوان پایلوت، برای تدوین آیین نامه ای برای مستند سازی تجارب تلخ و شیرین، با هدف ارتقای سرمایه اجتماعی، اقدام کند. دوم، ایجاد سامانه ای برای نظرسنجی نظام مند از شهروندان است؛ سامانه ای که با استفاده از کد ملی، از ابراز نظرات تقلبی و چندین باره جلوگیری کند و امکان مشارکت واقعی و مؤثر مردم را در مراحل مختلف تصمیم گیری فراهم آورد. برای دسترسی آسان و فراگیر می توان کویپو QR Code) لینک نظرسنجی هر پروژه را روی تابلوهای اطلاع رسانی همان پروژه نصب کرد تا شهروندان در محل، با اسکن سریع، مستقیماً وارد سامانه شوند و نظر خود را ثبت کنند. این سامانه می تواند نه فقط برای این پروژه، بلکه به عنوان یک زیرساخت پایدار برای همه پروژه های شهری آینده طراحی شود تا نظرات شهروندان، نه در حد یک نظرسنجی نمایشی، بلکه به عنوان یکی از ارکان اصلی تصمیم گیری مورد استفاده قرار گیرد.

ادامه مطلب را در سایت پیام ما بخوانید.

## «حامی» کاغذی در حاشیه اهواز

اجرای طرح جبرانی آموزش ابتدایی در خوزستان با روایت متناقض مسئولان و معلمان همراه است

۳

## تجدید حیات تجدید پذیرها

با نزدیک شدن نسل اول پنل ها و توربین ها به پایان عمر، مسئله پسماند تجهیزات انرژی پاک جدی تر می شود

۵

## ۳۳ سال مبارزه

## برای حق خالکوبی

«مجلس ملی کره جنوبی» پس از سه دهه، انجام خالکوبی توسط افراد غیر پزشکی را قانونی کرد

۲

## سفر به روایت روزنامه نگار پیشکسوت

«سپروس علی نژاد» در نشست خاطرات گردآوری کتاب «چرا سفر می کنید» را مرور کرد

۸

یادداشت |

## حذف «ترابی»؛ تقابل حرفه ای گری و ناکارآمدی سازمان یافته



ایوسف فرهادی با بادی |  
اعضو کمپین مردمی حمایت  
از زائران مهربان |

یادداشت خانم شاکری با عنوان «شفافیت؛ پاسخ روشن به حاشیه ها» در روزنامه «پیام ما»، متأسفانه هیچ پاسخی به پرسش های بنیادین و فنی درباره مجوزهای سازمان نمی دهد. شفافیت در دنیای مدیریت به معنای ارائه مستندات و پاسخ به تناقض هاست، نه استفاده از واژگان کلیشه ای برای پوشاندن حرفه های تصمیم گیری.

اول: پارادوکس «پاک دستی» و «تداوم خطا» اگر ادعا می شود که برکناری خانم ترابی به دلیل «عدم همکاری» یا ایرادهایی در رویکرد فنی ایشان بوده است، پس چرا پس از تغییر مدیریت، هیچ بازبینی یا اصلاحی در مجوزهای صادر شده در دوران ایشان صورت نگرفت؟ به ویژه درباره «مجوز پروژه سهراب» که یکی از شروط اصلی اجرای آن «حفر مورب» است، اما در گزارش فنی کارفرما به صراحت تأکید شده است که به دلیل وضعیت زمین شناسی، امکان حفر مورب وجود ندارد.

پیش ما این است: اگر رویکرد فنی خانم ترابی مورد نقد بوده، چرا خروجی های فنی او، مانند «مجوز پروژه سهراب»، پذیرفته شده و تداوم یافته است؟ این جاست که باید از منظر «اخلاق سازمانی» پرسید: آیا سکوت مدیران فعلی در قبال این ایرادهای فنی، خود نوعی همدستی با تخلفات احتمالی نیست؟ شفافیت یعنی پاسخ به این ابهام فنی، نه توصیف مدیران به «پاک دستی» یا «شایسته».

دوم: مسئولیت جمعی در ۴۱ پروژه؛ توزیع بار ناکارآمدی اگر رویکرد فنی خانم ترابی مورد نقد همکاران ایشان بوده است، پس چه کسی مسئولیت تعیین تکلیف ۴۱ پروژه فاقد مجوز را در دوران معاونت ایشان بر عهده می گیرد؟ نمی توان مسئولیت هرچه اتفاق افتاده است را به گردن یک فرد انداخت و در عین حال، خروجی های مدیریتی او را پذیرفت. در یک سازمان پاسخ گو نمی توان «مسئولیت جمعی» را فدای «تغییر کارگزار» کرد تا صورت مسئله پاک شود.

سوم: پاک دستی در سایه بازداشت ها و سکوت ساختاری تأکید بر «پاک دستی» خانم ترابی، در دنیای واقعیت و در برابر «سکوت معنادار» درباره بازداشت برخی مدیران میانی سازمان، پرسش برانگیز است. وقتی بخشی از مدیران میانی سازمان به دلیل تخلفاتی که احتمالاً ترابی افشا کرده است، از سوی دستگاه های امنیتی بازداشت شده اند، تأکید بر پاک دستی یک نفر ناخودگاه اشاره ای به ناپاک دستی دیگری دارد که در همان ساختار پروژه اقدامات او برآشفته شده اند. اگر سخت گیری های اداری ریشه در دستورهای خلاف قانون یا انتظارات متخلفانه داشته است، دستگاه های نظارتی سازمان باید به افکار عمومی پاسخ گو باشند، نه یادداشت های پرکننده مدیریت. در واقع، حسب اظهارات خانم «شاکری»، این تغییر نه بر مبنای تلفخ، نه به دلیل دستورهای خلاف قانون یا رویکردهای غیر فنی و نه ناشی از فساد اقتصادی بوده است. برای آنکه بحث را ادامه دهیم، از مفهوم «ناکارآمدی سازمان یافته» کمک می گیریم.

ادامه مطلب را در سایت پیام ما بخوانید.



ا.ک.ایران

**دولت نرخ بنزین کارت جایگاه‌ها را به ۱۰ هزار تومان افزایش داد**

## هزینه ناترازی بنزین از جیب شهروندان

**به نام مردم، به کام تورم**

ا پیام ما ۱ بنزین کارت جایگاه‌ها از بامداد هفدهم شهریور ۱۰ هزار تومان می‌شود. دولت این تصمیم را گامی برای مدیریت مصرف و مقابله با قاچاق سوخت می‌داند، اما به باور اقتصاددانان، این افزایش قیمت در میانه تورم و فشار فزاینده بر معیشت، گرانی کالاها و خدمات را به دنبال دارد؛ چراکه تجربه سال‌های گذشته نشان می‌دهد هرگونه تغییر در نرخ حامل‌های سوخت، به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم بر قیمت کالاها و خدمات تأثیر می‌گذارد.

پس از ماه‌ها آواگو، تأیید و تکذیب، سرانجام نرخ بنزین کارت جایگاه‌ها تغییر کرد و به ۱۰ هزار تومان افزایش یافت؛ اگرچه مقامات دولتی مدعی‌اند بنزین سهمیه‌ای با شرایط قبلی برای شهروندان فراهم است.

فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت، در یک برنامه تلویزیونی اظهار کرد: «همان‌طور که به مردم قول داده بودیم، نرخ بنزین سهمیه‌ای، یعنی بنزین ۵۰۰تومانی ۶۰لیتر و بنزین ۳۰۰تومانی ۵۰لیتر هیچ‌گونه تغییری نخواهد داشت.» او علت این تصمیم را بازگرداندن تعادل عرضه و تقاضا، پایداری این جریان و همچنین تاب‌آوری ملی دانست و گفت: «اما با توجه به شرایطی که همه مردم از ما بهتر می‌دانند و تجربه زیسته همه مردم است که این روزها در ایران زندگی می‌کنند و همچنین سیاست‌گذاری‌هایی که از قبل وجود داشته و طبیعتاً باعث شده با افزایش مصرف مواجه شویم، جریان عرضه و تقاضا به هم خورده است و برای پایداری جریان عرضه و تقاضا و تاب‌آوری ملی

| گزارش

«مجلس ملی کره جنوبی» پس از سه دهه، انجام خالکوبی توسط افراد غیرپزشک را قانونی کرد

## ۳۳ سال مبارزه برای حق خالکوبی

می‌گویند وقتی نگرش جامعه تغییر می‌کند، قوانین نیز ناگزیر تبعیت می‌کنند. حالا هزاران هنرمند خالکوبی در گُره، بعد از سال‌ها فعالیت غیررسمی و پرخطر، نشان دادند هر آرزویی با ممارست می‌تواند به تعهد تبدیل شود. کره جنوبی پس از ۳۳ سال، خالکوبی توسط افراد غیرپزشک را قانونی کرد؛ فعالیتی که در فرهنگ این کشور با جرم و بزهکاری گره خورده بود، حالا به هنری با رنگی محلی و چشم‌اندازی جهانی تبدیل شده است.



اشیما یوزاوبای

روزنامه‌نگار و فعال سازمان‌های مردم‌نهاد

به گزارش «کوریاهerald»، «مجلس ملی کره جنوبی» ماه گذشته با تصویب قانونی جدید، برای نخستین‌بار در ۳۳ سال گذشته، انجام خالکوبی توسط افراد غیرپزشک را قانونی کرد. این اقدام، به گفته حامیان آن، زمینه حرفه‌ای‌شدن صنعت خالکوبی و افزایش ایمنی خدمات را فراهم می‌کند.

قانون جدید به افراد غیرپزشک اجازه می‌دهد به‌شکل رسمی خدمات خالکوبی ارائه کنند. این فعالیت سال‌ها، با وجود محبوبیت گسترده، در منطقه‌ای خاکستری از نظر حقوقی

و ۵۰ لیتر بنزین ۳۰۰۰ تومانی خواهیم داشت و طبق اعداد و ارقامی که شرکت پالایش و پخش اعلام کرده، ۸۵ درصد از مردم عزیزمان با همین ۱۱ لیتر نیازشان مرتفع خواهد شد، ولی نرخ کارت سوخت جایگاه به ۱۰ هزار تومان افزایش پیدا خواهد کرد.»

**❗ عدالت؛ بهانه تغییر قیمت**

پیش‌تر «مسعود پزشکیان»، رئیس جمهوری، در نشست خبری روز خبرنگار نیز بر لزوم مدیریت بنزین تأکید کرد و آن را در چارچوب سیاست‌های دولت در حوزه عدالت و مدیریت منابع مورد توجه قرار داد؛ «ما و شما باید بنشینیم و با هم همدل شویم. اگر روند ادامه پیدا کرد، چگونه باید این کمبودها و این روند را مدیریت کنیم؟ باید ببیزیم که اگر این اتفاق افتاد و نتوانستیم تولید کنیم و نتوانستیم بخریم، بالاخره باید مدیریت کنیم.»

او با اشاره به ضرورت مدیریت یکپارچه منابع و مصارف در شرایط جنگی گفت: «در این روند، بنزین، برق، گاز و آب، مدیریت منابع و مدیریت هزینه‌ها، از جمله مسائلی هستند که باید مورد توجه قرار گیرند.» پزشکیان سرانجام روز سیزدهم شهریور ویکر در دولت را در قبال مسئله بنزین اعلام کرد و گفت: «سیاست دولت، مدیریت و کنترل مصرف با استفاده از ابزارها و سیاست‌های عمدتاً غیرقیمتی است و به هیچ عنوان نباید تصمیمات این حوزه به‌گونه‌ای اتخاذ شود که جامعه با رفتارهای ناگهانی و شوک‌آور مواجه شود.»

او با تأکید بر لزوم افتاع و همراه‌سازی جامعه اظهار کرد: «هر میزان صرفه‌جویی و درآمد حاصل از کاهش مصرف بنزین، صرف تقویت طرح کالابرگ خواهد شد و محل مصرف دیگری برای این منابع در نظر گرفته نخواهد شد. مهم‌ترین دغدغه ما، دغدغه مردم است و در همه مراحل اجرای برنامه‌ها و تصمیمات، از جمله موضوع سهمیه‌ها و مدیریت استفاده از کارت‌های سوخت جایگاه‌ها، باید به‌گونه‌ای عمل شود که نارضایتی و فشار مضاعف بر مردم ایجاد نشود. در هر مرحله که اجرای یک سیاست با مشکل یا چالشی برای مردم مواجه شد، باید موضوع با سرعت بررسی ویری رفع آن اقدام شود.»

پزشکیان همچنین بر بازنگری در سیاست‌ها و برنامه‌های مقابله با قاچاق سوخت تأکید کرد و گفت: «استفاده از فناوری‌های نوین برای رصد و پایش هوشمند خودروها و جریان توزیع سوخت باید توسعه یابد.»

**❗ کارت‌های شناسه‌دار**

مقابله با قاچاق سوخت و کنترل با مدیریت مصرف، از جمله دلالی است که برای تغییر قیمت بنزین ذکر شده است. به همین منظور، طرحی با عنوان شناسه‌دار شدن کارت‌های اضطراری یا همان کارت آزاد جایگاه‌ها نیز قرار است اجرا شود. هدف از اجرای این طرح، قابل‌ردیابی‌بودن کارت جایگاه و مشخص‌شدن هویت فرد استفاده‌کننده از این کارت‌هاست. به گزارش «پیام ما» و به نقل از ایسنا، با شناسه‌دار شدن کارت آزاد جایگاه، اخبار کارت از جایگاه‌دار گرفته و به خود مردم داده می‌شود. این بدان معناست که دیگر محدودیتی روی کارت آزاد جایگاه اعمال نمی‌شود، بلکه هر فردی که به جایگاه مراجعه می‌کند، ابتدا احراز هویت می‌شود و سپس متناسب با سیاستی که برای مصرف او اعمال شده است،

امکان سوخت‌گیری خواهد داشت.

به‌گفته «محمدصادق عظیمی‌فر»، معاون وزیر نفت، اکنون این طرح در یکی دو جایگاه تهران به‌صورت آزمایشی در حال اجراست و به‌تدریج به کل کشور تـسری داده می‌شود؛ «هر فردی که به جایگاه مراجعه می‌کند، ابتدا احراز هویت می‌شود و متناسب با سیاست مصرفی که برای او اعمال شده، سوخت‌گیری انجام می‌دهد.»

اوافزود: «ممکن است در آینده بگویم اگر کسی بیشتر خواست مصرف کند و وارد پلکان‌های بالاتر مصرف قیمتی شد، برای سوخت‌گیری با کارت آزاد جایگاه احراز هویت شود. برای این کار از کارت بانکی استفاده می‌شود و از طریق سامانه مانا، بدون اینکه مخاطب متوجه شود، استعمال گرفته می‌شود.»

عظیمی‌فر تصریح کرد: «در این طرح اطلاعات کارت بانکی ارسال می‌شود و سامانه مانا که ملی را به سوئیچ سهمیه ارسال می‌کند، در آنجا مشخص است که فردی که به جایگاه مراجعه کرد، تا آن زمان چقدر سوخت‌گیری کرده و چقدر می‌خواهد سوخت‌گیری کند و سپس می‌تواند بدون محدودیت سوخت‌گیری خود را انجام دهد؛ البته متناسب با سیاست مصرفی که برای او اعمال شده است.»

براساس اعلام مسئولان، اجرای آزمایشی این طرح احتمالاً از ابتدای مهر در برخی مناطق دیگر نیز آغاز و در پایان مهر در کل کشور اجرایی می‌شود.

**❗ مدیریت مصرف یا مقابله با کمبود؟**

اگرچه دولت برای تغییر قیمت بنزین، موضوع مدیریت مصرف و پیشگیری از قاچاق سوخت را مطرح کرده است، اما «کمبود بنزین» به‌دلیل کاهش واردات در پی محاصره دریایی، آسیب به پتروشیمی‌ها و کاهش سطح تولید، از دلایل اصلی تعیین قیمت جدید بنزین عنوان شده است.

از سوی دیگر، بسیاری معتقدند ناترازی کنونی حاصل سیاست‌های نادرست سال‌های گذشته و تداوم تولید خودروهای پرمصرف است. «حسین امامی‌راد»، نماینده مردم چناران و طریقه در مجلس، در این باره گفت: «واقعیت آن است که بخش مهمی از این ناترازی، محصول سال‌ها سیاست‌گذاری نادرست، تولید خودروهای پرمصرف داخلی، فرسودگی ناگوان حمل‌ونقل، ضعف حمل‌ونقل عمومی، استفاده ناکافی از CNG و LPG، اجرا نشدن کامل احکام برنامه هفتم و ضعف در بهینه‌سازی مصرف انرژی و از همه مهم‌تر، قاچاق گسترده سوخت است. در چنین شرایطی، انتقال بار این ناکارآمدی‌ها به مردم، نه عادلانه است و نه منطقی.»

به گزارش تسنیم، امامی‌راد با تأکید بر اینکه قاچاق سوخت نیز نیازمند نگاهی واقع‌بینانه است، گفت: «شکی نیست که اختلاف قابل‌توجه قیمت بنزین در داخل با کشورهای همسایه، انگیزه قاقی را ایجاد می‌کند، اما تا زمانی که این شکاف قیمتی عمیق باقی بماند و امکان واقعی‌سازی کامل قیمت‌ها به دلیل ملاحظات اقتصادی، اجتماعی و امنیتی وجود نداشته باشد، افزایش‌های محدود و تدریجی قیمت، نه مصرف داخلی و نه قاچاق را به‌طور مؤثر مهار می‌کند و نه جذابیت اقتصادی آن را از بین می‌برد. در مقابل، نتیجه چنین سیاستی بیش از هر چیز، تشدید تورم و افزایش فشار بر معیشت مردم خواهد بود.»

دستگیری، زندان، پرداخت جریمه و حتی خودکشی برخی از این هنرمندان، بر ادامه فعالیت استودیوهای غیررسمی که به‌مرور از زیرزمین به سالن‌های بدون تابلو در خیابان‌ها راه پیدا کردند، اصرار داشتند. فستیوال «بمب جوهری» در سال ۸۰/۲۰۰۸ هم برگزار شده بود، اما پلیس با این رویداد برخورد کرد و بعد از آن هم همه رویدادهای مشابه رکنسل می‌کرد.

«چی هویری»، هنرمند با سابقه ۴۸ سال‌ای که یک لاک‌پشت را روی ساعش خالکوبی دارد، به «بی‌بی‌سی» می‌گوید: «قانون هیچ منطقی نداشت. هیچ‌کس برای تاتوکار شدن وارد دانشگاه پزشکی نمی‌شود. هنرمندان کروی برای ادامه این فرهنگ زیبای زیرزمینی خطرهای زیادی را به جان خریدند.» اما تغییر قانون به همین سادگی هم نبوده است. اتحادیه‌های مختلف سال‌ها داوطلبانه به تاتوکاران خدمات حقوقی رایگان ارائه می‌دادند و آن‌ها را از جریمه و دستگیری محافظت می‌کردند. این حرفه چنان رشد کرد و فرهنگ محلی و سنتی آن با دید نو جهانی چنان تلفیق شد که شبکه‌های اجتماعی را پر کردند؛ تا جایی که براساس آمار دولت در سال ۲۰۲۱، تعداد هنرمندان غیررسمی خالکوبی به ۳۵۰ هزار نفر می‌رسید. یکی از هنرمندان می‌گوید از اینکه عمری را با احتیاط و اضطراب کار کرده، خسته شده بود، اما حالا دیگر نیاز نیست نگران این موضوع باشد. غیررسمی‌بودن خالکوبی، هنرمندان را در موقعیت‌های آسیب‌پذیری قرار می‌داد و آن‌ها را در معرض باج‌گیری و آزار جنسی قرار داده بود؛ چراکه مشتریان آن‌ها را به

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

اداره کل ثبت اسناد و املاک مازندران

آگهی اختصاصی تحدید حدود حوزه ثبتی شهرستان کلاردشت

پیرو آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند

رسمی و به استناد تبصره ذیل ماده ۱۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون اخیرالذکر تحدید حدود پلاک ۱۲۷ فرعی از ۲۹ اصلی واقع در بندین ویل بخش یک ثبت کلاردشت به نام آقای / خانم فریدار وقار فرزند شاپور در سه دانگ مشاع از شش‌دانگ یک قطعه زمین با کاربری مزرووعی به مساحت ۴۶۲۰ طبق رای شماره ۰۸۷۸۳/۰۶۹۰۰۳۱۰۱۴۵۶۰۱۴۵۵/۰۶/۱۱ مورخ ۱۴۵۵/۰۶/۱۱ هیئت قانون تعیین تکلیف ساعت ۱۰ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۵۵/۰۷/۱۱ در محل وقوع ملک به عمل خواهد آمد

لذا از متقاضی و مالکین املاک مجاور و صاحبان حقوق ارتفاقی دعوت می‌شود در وقت مقرر در محل وقوع ملک حضور به هم رسانند بدیهی است در صورت عدم حضور متقاضی و یا نماینده قانونی آنان طبق ماده ۱۵ قانون ثبت ملک مورد تقاضا با حدود اظهار شده از طرف مجاورین تحدید خواهد شد معترضین می‌توانند به استناد ماده ۲۰ قانون ثبت و مواد ۷۴ و ۸۶ آئین نامه قانون ثبت ظرف مدت ۳۰ روز از تاریخ تنظیم صورت‌مجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتباً به این اداره تسلیم و ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به واحد ثبتی مبادرت به تقدیم دادخواست به مرجع قضائی نمایند در غیر اینصورت با ارائه گواهی عدم تقدیم دادخواست توسط متقاضی و یا نماینده قانونی وی و بدون توجه به اعتراض واصله عملیات ثبتی با رعایت مقررات ادامه می‌یابد.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۶/۱۷

هادی ملاحسینی

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان کلاردشت

شناسه آگهی:۲۲۷۱۱۶۸



قوتضایه

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

اداره کل ثبت اسناد و املاک مازندران

آگهی اختصاصی تحدید حدود حوزه ثبتی شهرستان کلاردشت

پیرو آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند

رسمی و به استناد تبصره ذیل ماده ۱۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون اخیرالذکر تحدید حدود پلاک ۱۲۷ فرعی از ۲۹ اصلی واقع در بندین ویل بخش یک ثبت کلاردشت به نام آقای / خانم جهانشاه سجادی فرزند محمد در سه دانگ مشاع از شش‌دانگ یک قطعه زمین با کاربری مزرووعی به مساحت ۴۶۲۰ طبق رای شماره ۰۸۷۸۳/۰۶۹۰۰۳۱۰۱۴۵۶۰۱۴۵۵/۰۶/۱۱ هیئت قانون تعیین تکلیف در ساعت ۱۰ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۵۵/۰۷/۱۱ در محل وقوع ملک به عمل خواهد آمد.

لذا از متقاضی و مالکین املاک مجاور و صاحبان حقوق ارتفاقی دعوت می‌شود در وقت مقرر در محل وقوع ملک حضور به هم رسانند بدیهی است در صورت عدم حضور متقاضی و یا نماینده قانونی آنان طبق ماده ۱۵ قانون ثبت ملک مورد تقاضا با حدود اظهار شده از طرف مجاورین تحدید خواهد شد معترضین می‌توانند به استناد ماده ۲۰ قانون ثبت و مواد ۷۴ و ۸۶ آئین نامه قانون ثبت ظرف مدت ۳۰ روز از تاریخ تنظیم صورت‌مجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتباً به این اداره تسلیم و ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به واحد ثبتی مبادرت به تقدیم دادخواست به مرجع قضائی نمایند در غیر اینصورت با ارائه گواهی عدم تقدیم دادخواست توسط متقاضی و یا نماینده قانونی وی و بدون توجه به اعتراض واصله عملیات ثبتی با رعایت مقررات ادامه می‌یابد.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۶/۱۷

هادی ملاحسینی

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان کلاردشت

شناسه آگهی:۲۲۷۱۱۰۸



قوتضایه

این نماینده مجلس همچنین الزامات تصمیمی مهم مانند تغییر قیمت بنزین را قابل توجه دانست و افزایش قیمت بنزین در چنین شرایطی را بدون تبعات دانست؛ «در بدی نیست که ناترازی بنزین یک واقعیت است و ادامه روند فعلی، فشار سنگینی بر منابع ارزی و بودجه کشور وارد می‌کند، اما سیاست‌گذاری اقتصادی تنها بر پایه یک متغیر انجام نمی‌شود؛ زمان اجرا، شرایط اجتماعی، آثار اقتصادی و الزامات امنیتی نیز به همان اندازه اهمیت دارند. طرح افزایش قیمت بنزین در شرایطی که کشور همچنان درگیر جنگ، فشارهای خارجی و تورم مزمن است، نه‌تنها یک تصمیم اقتصادی است، بلکه تصمیمی با پیامدهای گسترده اجتماعی و امنیتی خواهد بود.»

این نماینده مجلس در حالی نگران تبعات تصمیم جدید دولت است که در هفته‌های گذشته برخی دیگر از نمایندگان مجلس مخالفت خود را با هرگونه تغییر در نرخ بنزین نشان داده بودند. «ضاسپهوند»، سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس، پنجم مرداد در این باره گفت: «در حال حاضر زرمه‌هایی در دولت وجود دارد و سخنگوی دولت هم اعلام کرده است که افزایش نرخ سوم بنزین، یعنی نرخ بنزین عرضه‌شده با کارت‌های اضطراری جایگاه‌ها، در دست بررسی است؛ اما کلیت مجلس و کمیسیون انرژی، در شرایط فعلی که کشور در وضعیت جنگی قرار دارد، زمان را برای افزایش قیمت مناسب نمی‌داند.»

این نماینده مجلس با بیان اینکه نمایندگان با افزایش قیمت بنزین در این مقطع زمانی مخالفانند، افزود: «کمیسیون انرژی این موضوع را دنبال می‌کند تا آنچه به خیر و صلاح مردم است، اتفاق بیفتد.»

**❗ افزایش تورم کالاها در پی تغییر نرخ**

پیامدهای تورمی تغییر قیمت حامل‌های سوخت، مهم‌ترین نگرانی درباره افزایش قیمت بنزین است. «سیداحمد علوی»، اقتصاددان، در این باره به «پیام ما» گفت: «بمحض اعلام افزایش قیمت بنزین، تقریباً همه کالاها و خدمات، چه آن‌هایی که مستقیماً به سوخت وابسته‌اند و چه آن‌هایی که ارتباط مستقیمی با آن ندارند، با افزایش قیمت مواجه می‌شوند؛ بنابراین، فشار اصلی این تصمیم بر معیشت مردم وارد می‌شود و هدف دولت، یعنی کاهش مصرف یا کنترل قاچاق سوخت، محقق نمی‌شود.»

او افزود: «افزایش قیمت بنزین در شرایط فعلی نه مصرف را کاهش می‌دهد، نه قاچاق سوخت را مهار می‌کند و نه مشکل ناترازی انرژی را حل خواهد کرد. تنها نتیجه قطعی آن افزایش فشار اقتصادی بر خانوارهاست؛ آن هم در شرایطی که جامعه از نظر روانی و اقتصادی در وضعیت حساسی قرار دارد.»

افزایش نرخ بنزین کارت‌های جایگاه، اگرچه با عنوان مدیریت مصرف و مقابله با قاچاق اجرا شده است، یک پرسش مهم را مطرح می‌کند: چرا باید هزینه ناترازی‌ای که حاصل سال‌ها سیاست‌گذاری نادرست، تولید خودروهای پرمصرف و ضعف حمل‌ونقل عمومی است، بار دیگر به مردم منتقل شود؟ دولت باید پاسخ دهد که این افزایش قیمت چگونه قرار است بدون تشدید تورم و فشار بر معیشت خانوارها اجرا شود و مهم‌تر از آن، چه تضمینی وجود دارد که «مدیریت مصرف» به نامی دیگر برای گران‌تر شدن زندگی مردم تبدیل نشود؟

گزارش دادن کسب‌وکارشان تهدید می‌کردند. اکثر این قربانیان زنان هنرمند بودند که طبق اعلام «اتحادیه خالکوبیان»، از ترس متهم‌شدن جرئت گزارش به پلیس را نداشتند. چندین زن به‌دلیل مبارزت حقوقی سخت و طولانی دست به خودکشی زده بودند. شوک ناشی از این فقدان‌ها باعث شد فعالان دست به مبارزه مدنی بزنند و در بستر «حق ایمنی در کار» برای آن مطالبه‌گری‌کنند.

آن‌ها همچنین کیفیت کار خود را چنان افزایش دادند که سئوهای سیما و موسیقی پاپ مجذوب آن شدند و از این هنر حمایت کردند. به‌مرور تابلوهای استودیوها آشکار و پنجره‌ها شیشه‌ای شدند و سبک خالکوبی کروی هنری جهانی شد. قانون سخت، حالا چاره‌ای جز خمشدن نداشت.

با این‌حال، انگ اجتماعی خالکوبی هنوز به‌طور کامل از بین نرفته است. داشتن خالکوبی می‌تواند بر تصویر یک در مصاحبه‌های شغلی یا محافل رسمی از افراد شکل می‌گیرد، تأثیر منفی بگذارد. برخی باشگاه‌های ورزشی و سوناها نیز همچنان «مناطق بدون خالکوبی» دارند، زیرا معتقدند بعضی خالکوبی‌ها «بیش‌ازحد ترساک هستند و ممکن است موجب ناراحتی سایر مشتریان شوند.»

با استقامت نسل‌های مختلفی از هنرمندان و طرفداران، حالا به قول یکی از آن‌ها، «بالاخره همه‌چیز به جای درست خود بازگشته است». صبری که هر سال نقش‌ونگاری جدید بر بدن کشور در حال تغییر گره‌ترسیم کرد.

| نوبت دوم                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                        | سازمان ثبت اسناد و املاک کشور         |
|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------|
| <div>آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی حوزه ثبتی شهرستان ساری</div>                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                | <div>حوزه ثبت ملک منطقه دو ساری</div> |
| <div>برابر رای شماره ۰۴۵۶۰۱۴۵۵/۰۳۱۰۱۴۵۵/۰۶/۰۸ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۰۸ که در هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه دو ساری تحت تصرفات مالکانه</div>                                                                                                                                                                                                                         |                                       |
| <div>آرتین رحیم‌پور فرزند رضا به شماره ملی ۰۹۹۳۶۳۱۹۵۴ نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی به پلاک ۱۸۹۱ فرعی به مساحت ۲۴۳ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۰ اصلی واقع در قریه ماهفروز محله بخش ۵ ثبت ساری</div>                                                                                                                                                                                                                  |                                       |
| <div>لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.</div> |                                       |
| <div>تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۰۲</div>                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                    |                                       |
| <div>تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۱۷</div>                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                    |                                       |
| <div>یاسر ملکی</div>                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                            |                                       |
| <div>مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو ساری</div>                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                            |                                       |
| <div>شناسه آگهی:۲۲۵۴۷۳۱۰</div>                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                  |                                       |





ا. ایزدیان

پاسخ معاون امور جنگل سازمان منابع طبیعی به منتقدان «جنگلداری نوین»

## دنبال تأمین نیاز چوبی از هیرکانی نیستیم

**اگر تمام درختان شکسته و افتاده جنگل‌های هیرکانی را اندازه‌گیری کنیم و بگوییم حتی یک تکه چوب هم نباید روی کف جنگل باقی بماند، باز هم حجم آن به میزان بهره‌برداری رسمی سال ۱۳۹۶ از درختان زنده نمی‌رسد**

«جنگلداری نوین» از همان زمان که در برنامه هفتم توسعه مطرح شد، مناقش‌های دامنه‌دار را میان موافقان و مخالفان ایجاد کرد. مدیران سازمان منابع طبیعی بارها گفته‌اند که قصد برداشت محدود از عرصه هیرکانی را دارند. اما منتقدان، در مقابل، با ارجاع به تجربه‌های گذشته، هرگونه برداشت، حتی در مقیاس محدود، را زمینه‌ساز تخریب بیشتر این عرصه‌ها می‌دانند. دکتر «کامران پورمقدم»، معاون امور جنگل سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور، در گفت‌وگو با «پایام ما» از برداشت نیم‌درصدی از هیرکانی، سازوکارهای نظارتی سخت‌گیرانه اجرای این طرح و برنامه‌های این سازمان برای مدیریت جنگل‌های زاگرس گفت.



فاطمه بااخانی

اروزنامه‌نگار

صحیح نیست، ما نه‌تنها چنین سیاست و رویکردی را نداریم، بلکه در این باره ممنوعیت قانونی هم برپیمان وجود دارد. در برنامه‌ریزی‌های ما هیچ‌گونه بهره‌برداری چوبی از جنگل‌ها پیش‌بینی نشده و نمی‌شود، مگر در مواردی که ضوابط قانونی اجازه داده باشد.

در تبصره‌های یک و دو ماده ۳۶ برنامه هفتم آمده است که اگر قرار است از ظرفیت‌های اقتصادی جنگل استفاده شود، نحوه این استفاده مشخص باشد. زراعت چوب و استفاده از درختان شکسته و افتاده در همین رابطه در تبصره یک ذکر شده‌اند. به‌علاوه، برداشت درختان شکسته و افتاده نمی‌تواند نیاز چوبی کشور را تأمین کند. مگر ما چه حجم درخت شکسته و افتاده‌ای در جنگل داریم که بخواهیم با هدف تأمین نیاز صنایع چوبی به سراغ آن برویم؟ در بهترین حالت، اگر تمام درختان شکسته و افتاده جنگل‌های هیرکانی را اندازه‌گیری کنیم و بگوییم حتی یک تکه چوب هم نباید روی کف جنگل باقی بماند و همه آن‌ها را باید برداشت شوند، باز هم حجم آن به میزان بهره‌برداری رسمی سال ۱۳۹۶ از درختان زنده نمی‌رسد. بنابراین، این کار هیچ کمکی به تأمین نیاز چوبی کشور نمی‌کند و هدف ما هم چنین محلی اعتبارات و موافقت‌نامه‌های دولتی تأمین شود یا باید چیزی نیست. ما نه قصد داریم از این طریق نیاز چوبی کشور را تأمین کنیم و نه چنین ظرفیتی وجود دارد.

اما در عین حال، وقتی قصد داریم مجموعه‌ای از اقدامات مدیریتی را برای جنگل انجام دهیم؛ چه عملیات احیایی یا حفاظتی و چه اقداماتی برای توسعه و حفاظت از جنگل، نیازمند تأمین منابع مالی هستیم. این منابع یا باید از سوی دولت و محل اعتبارات و موافقت‌نامه‌های دولتی تأمین شود یا باید راهکارهای دیگری، غیر از اتکا به منابع دولتی، برای تأمین این هزینه‌ها پیش‌بینی کنیم. آنچه در تبصره‌های یک و دو ماده ۳۶ آمده، با همین هدف است. با اجرای این تبصره‌ها، منابع مالی مورد نیاز برای اجرای اقدامات مدیریتی جنگل، بدون اتکای کامل به اعتبارات دولتی، تأمین می‌شود.

طرح‌های مدیریت جنگل برای ۲۸ حوضه آبخیز تهیه شده‌اند. بخشی از منابع اجرای آن‌ها مربوط به طرح‌های زراعت چوب در سنوات گذشته است و بخش دیگر از محل برداشت درختان شکسته و افتاده تأمین می‌شود. این اساس مطالعاتی از کارشناسان ما انجام داده‌اند، در این طرح‌ها نیم‌درصد از

موجودی چوب شکسته و افتاده قابلیت استفاده دارد و ۵/۹۹ درصد در توده‌های جنگلی باقی می‌ماند. اگر هدف ما تأمین چوب یک‌سب‌درآمد بیشتر بود، طبیعتاً باید حجم بسیار بیشتری، مثلاً ۵۰ درصد، را برداشت می‌کردیم. بنابراین، آنچه پیش‌بینی شده، تنها در حدی است که بتواند بخشی از نیازهای مدیریت جنگل را پوشش دهد و به مدیریت، حفاظت و احیای جنگل کمک‌کند.

منتقدان این ایراد را مطرح می‌کنند که اگر بخشی از درختان شکسته و افتاده ارزش اقتصادی ندارند و قصد شما مدیریت است، چرا حتی همان نیم‌درصد را هم از جنگل خارج می‌کنید؟ بعضی‌ها می‌گویند درختانی که شکسته و افتاده‌اند و مدت‌ها روی کف جنگل قرار گرفته‌اند، ممکن است دچار پوسیدگی و کاهش کیفیت شده باشند و دیگر هیچ ارزش اقتصادی نداشته باشند. ما به هیچ‌عنوان سراغ چنین درختانی نمی‌رویم. به‌علاوه، همه درختانی که در این طرح‌ها پیش‌بینی شده‌اند، درختانی نیستند که شکسته و افتاده و روی کف جنگل‌رها شده باشند. در بسیاری از موارد، با درختانی مواجه هستیم که برداشت آن‌ها اجتناب‌ناپذیر است. برای مثال، در رودخانه‌هایی که از داخل جنگل عبور می‌کنند، ممکن است بر اثر طوفان،

درختانی در بستر یا مسیر جریان رودخانه قرار گرفته باشند و خطر بروز سیلاب را افزایش دهند. در چنین مواردی، با نظر و حضور دستگاه‌های مسئول، از جمله نمایندگان وزارت نیرو و شرکت‌های آب منطقه‌ای، دستور برداشت این درختان صادر می‌شود. این‌ها مواردی اجتناب‌ناپذیر هستند؛ به این معنا که چه بخواهیم و چه نخواهیم، باید این درختان را خارج کنیم و چوب حاصل را از طریق مزایده به فروش برسانیم. همچنین، در مناطقی که عملیات عمرانی و توسعه‌ای کشور در بخش‌هایی از جنگل اجرا می‌شود و پس از انجام و تأیید ارزیابی‌های زیست‌محیطی، ناگزیر به قطع درخت هستیم؛ با موارد مشابهی روبه‌رو می‌شویم. برای مثال، احداث مسیرهای دسترسی یا سد هایی که در برخی مناطق جنگلی در حال ساخت هستند و باعث می‌شوند بخش‌هایی از توده‌های جنگلی به زیر آب بروند، در این موارد نیز برداشت درختان اجتناب‌ناپذیر است.

۲۸ حوضه‌ای که برای آن‌ها برنامه‌ریزی شده است، حدود ۵۰ درصد چوب‌آلاتی که تحت عنوان درختان شکسته و افتاده پیش‌بینی شده‌اند، در واقع مربوط به همین درختان اجتناب‌ناپذیر هستند. ما فقط سراغ درختانی می‌رویم که درگام اول، ارزش استفاده داشته باشند و دوم، برداشت آن‌ها به اکوسیستم آسیب نزنند. ممکن است درختی ارزش اقتصادی داشته باشد، اما ارزش آن برای باقی ماندن در اکوسیستم، تأمین چرخه غذایی، حفظ تنوع زیستی یا ایفای نقش زیستگانی، بسیار بیشتر از ارزش اقتصادی آن باشد. در چنین شرایطی، حتی اگر آن درخت قابلیت بهره‌برداری اقتصادی داشته باشد، سراغش نمی‌رویم.

یکی از بحث‌هایی که وجود دارد این است که معمولاً ممکن است طرحی با یک هدف مشخص مطرح شود. اما در مرحله اجرا، جریان رویه دیگری را در پیش بگیرند. سازوکارهای نظارتی چگونه پیش می‌رود تا اجرای این طرح‌ها به جنگل آسیب نزنند؟ همیشه در اجرای برنامه‌ها، به‌ویژه طرح‌ها و برنامه‌های مدیریت جنگل، لان‌است حد اکثر دقت را داشته باشیم؛ به‌ویژه در زمینه نظارت بر اجرای برنامه‌ها. به همین دلیل، ساختار نظارتی که برای اجرای این طرح‌ها پیش‌بینی کرده‌ایم، تفاوت زیادی با دیگر چیزی دارد که در گذشته در طرح‌های جنگلداری وجود داشت. ما اکنون برای هر حوزه یک مدیر تعیین کرده‌ایم و این مدیر حوزه، دو ناظر حفاظتی و فنی دارد. به‌علاوه، یک مجموعه نظارتی برای اجرای طرح تعریف شده و نقش‌های مردمی و است که از ظرفیت جوامع محل و شکل‌های مردمی و محیط‌زیستی نیز استفاده شود. بنابراین، ابعاد نظارتی ما در اجرای این طرح‌ها بسیار متفاوت‌تر از گذشته است.

اما یک نکته را هم باید در نظر داشته باشیم. همه این دغدغه‌ها و نگرانی‌ها درباره اینکه ممکن است برنامه‌ای در جنگل اجرا شود و به آن آسیب برسد، در همه جای دنیا وجود دارد. شما می‌توانید احتیاط کنید و ابزارهای نظارتی‌تان را تقویت کنید، اما نمی‌توانید با تبدیل اصل احتیاط به اصل ممنوعیت، اساس برنامه‌ریزی و مدیریت جنگل را کنار بگذارید.

**❗ به نظر می‌رسد شما با چالش‌های مواجهید که سازمان حفاظت محیط‌زیست با آن روبه‌رو است. برای مثال، در سازمان محیط‌زیست، درباره گردشگری در مناطق چهارگانه و موارد دیگر، مدیران این گزاره را مطرح می‌کنند که درآمد حاصل از این فعالیت‌ها باید به خزانه واریز شود و خود سازمان نمی‌تواند از آن درآمد در حفاظت همان منطقه استفاده کند. شما هم می‌فرمایید درآمد حاصل از آنچه در جنگل انجام می‌شود، در نهایت در همان جایی که باید هزینه می‌شود. آیا این نظر قانونی امکاب اصلاح این وضعیت وجود دارد؟ مثلاً به جای بهره‌برداری در قالب طرح جنگلداری نوین، سراغ اصاح قانون بروید؟**

تنها راه، همین طرح‌ها است. مدیریت است. بر اساس

تمام نشدنی و خطرناک رویه‌رومی‌سازد. به‌عنوان نمونه، وقتی متولی فرهنگ‌سازی و اصلاح سبک و الگوی مصرف آب را به سازمان آب و فاضلاب واگذار می‌کنیم؛ سازمانی که اصولاً منبع درآمدش از طریق آب‌فروشی تأمین می‌شود و منافع سازمانی‌اش با اهداف فرهنگ‌سازی و بهینه‌سازی مصرف در تعارض است، نباید انتظار داشت چرخه فرهنگ‌سازی و اصلاح رفتار عمومی برای بهینه‌سازی مصرف به اهداف مطلوب و غایی برسد و در انتهای زنجیره مصرف، ناآزاری یا ضعف کمی و کیفی حادث نشود.

شوربخانه تعیین متولیان در جایگاه‌های نادرست می‌تواند امکان بروز و ظهور انواع فرایندهای منطقی و عادات مطلوب در چرخه مصرف را مخدوش کند و منابع آب را از جنبه مشارکت حفاظتی و تأثیر سبک زندگی فردی و اجتماعی، دچار اختلال و ضعف قیقارایی سازد. متأسفانه چرخه‌های معیوب مصرف در حوزه کشاورزی به‌شکلی مؤثرتر نیز مشاهده می‌شود. واضح است تداوم فشارهای مستقیم و غیرمستقیم به منابع و بهره‌مندشدن از ابزارهای مختلف، موجب کاهش دسترسی‌پذیری و تشدید چالش کمی و کیفی در چرخه تأمین، توزیع و مصرف منابع آب خواهد شد.

چالش‌های کمی و کیفی حادث‌شده در بستر ناآگاهی و ضعف فرهنگ مصرف، ممکن است به موضوعی امنیتی مبدل و در نهایت به تعریف و تحمیل طرح‌های بزرگ آبرسانی بین‌حوضه‌ای، حفر چاه یا سدسازی برای رفع چالش منتهی شود. نمونه‌های مشابه چنین چرخه‌های ناپایدار و خودتقویت‌شونده‌ای فراوان‌اند و

هر یک معلول علتی هستند. در اینجا فقط به تأثیر انتخاب غلط متولی در ساختار مدیریت مصرف و بهره‌مندساختن حاکمیت از ابزارهای فرهنگی و سبک زیست و رفتار عمومی در حوزه مصارف خانگی این پرداخته شد.

امروزه مجموعه عوامل متعددی، از جمله کاهش و تغییر الگوی نزولات جوی و ضعف مدیریت در تأمین، توزیع و مصرف آب، به تولید چالش آب در شهرها منجر شده است. این چالش‌ها فقط به محیط‌زیست محدود نمی‌شوند و سربار آن‌ها، افتاد و سلامت مردم را نیز مخدوش می‌کند. راحل خروج از این چالش عموماً با روش‌های تأمین بین‌حوضه‌ای کلید می‌خورد؛ درحالی‌که ۱۵ تا ۲۵ درصدی مصرف، به‌عنوان راحل منطقی و مؤثر، توسط کارشناسان مستقل تجویز می‌شود. باین‌حال، در عمل، تغییر یا اصلاح رفتار شهروندی به حاشیه می‌رود یا در اوج تنش و چالش‌ها مطالبه‌می‌شود.

زنجیره تعارض منافع سازمانی، گاهی به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم، فشارهایی گران به رفا، سلامت، امنیت و حقوق مردم وارد می‌سازد که این نیز زاییده همان جانمایی غلط و تقویش اختیارات ناچاست. تعویض دروای کنترهای آب منازل و ضرورت نصب دستگاه‌های تصفیه آب، دلیل مشترکی تحت‌عنوان «کاهش کثیبت آب» دارد که می‌توانست ایجاد نشود. این موضوع مشتی است نمونه خوراک که باید از بالا به پایین و بالعکس اصلاح شود.

بدیهی است اقدامات سخت و اصطکاکی سمن‌ها برای ممانعت از ساخت سد، مثل سد چم‌شیر یا سد

### محیط زیست



کردن سایر جنگل‌ها نیست. یکی از کارهایی که در فضای رسانه‌ای کمتر دیده شده، سند مدیریت پایدار زاگرس است. این سند با نامه وزیر برای معاون اول رئیس‌جمهور ارسال شده تا پس از طی مراحل لازم، به دستگاه‌های اجرایی کشور ابلاغ شود.

این یک سند جامع است و همه دستگاه‌های ذی‌نفع را در بر می‌گیرد. در آن، ساختارهای مدیریتی در سطح ملی، استانی و شهرستانی پیش‌بینی شده و تمام دستگاه‌های ذی‌نفع عضو این ساختار هستند. تصمیم‌گیری درباره برنامه‌های اجرایی در حوزه جنگل‌های زاگرس در کمیته‌های ملی و استانی انجام می‌شود. بنابراین، برنامه‌هایی که مثلاً وزارت راه، وزارت نیرو یا وزارت صنعت، معدن و تجارت در حوزه جنگل دارند، باید در این ساختار مطرح شوند و بر اساس اولویت‌ها درباره آن‌ها تصمیم‌گیری شود.

جنگلداری اجتماعی هم بخشی از سند مدیریت پایدار زاگرس است. در حال حاضر طرح‌های مربوط به آن در چهار پایلوت در استان‌های چهارمحال و بختیاری، کرمانشا، کردستان و فارس تهیه شده و امیدواریم اجرایی شود. در هفت استان زاگرسی دیگر هم تهیه طرح‌های جنگلداری اجتماعی آغاز می‌شود. مشاوران ملی انتخاب شده‌اند و کارهای تسهیلگری را انجام می‌دهند. بنابراین، کار بزرگی را برای زاگرس آغاز کرده‌ایم که بسیار گسترده و جامع است.

**❗ سال‌ها قبل، پروژه‌ای با همکاری سازمان ملل در حوزه تنوع زیستی و چشم‌انداز کوهستان مرکزی زاگرس اجرا شد که چند استان را در بر می‌گرفت. آن پروژه چه دستاوردی داشت و از آن‌ها در این طرح جدید استفاده می‌کنید؟**

آن پروژه به دلایل مختلف، از جمله تغییر دولت و تغییرات مدیریتی در سازمان حفاظت محیط‌زیست، کنار گذاشته شد. من در آن سال‌ها مشاور طرح بودم و در تدوین دستورالعمل‌های مربوط به بهره‌برداری از جنگل‌های کوهستان مرکزی نقش داشتم. بسیاری از رویکردهایی که امروز در سند مدیریت پایدار زاگرس وجود دارد، از همان مطالعات و تجربه‌ها استفاده کرده است.

یکی از ایرادهای این پروژه این بود که در سال‌های ابتدایی، تعامل آن با دستگاه‌های متولی اصلی، از جمله سازمان منابع طبیعی و وزارت جهاد کشاورزی، چندان گسترده نبود. طبیعی است که اگر بدون استفاده از نظر دستگاه‌هایی که متولی اصلی یک عرصه هستند وارد برنامه‌ریزی شوید، با مشکل روبه‌رو خواهید شد. البته در سال‌های پایانی پروژه، یعنی زمانی که خانم «شیرین ابوالقاسمی» مسئولیت پروژه را بر عهده گرفتند، رویکرد تعامل با دستگاه‌های مختلف تقویت شد. به همین دلیل، دستورالعمل‌هایی درباره کشاورزی پایدار جنگلداری پایدار منتزع‌داری پایدار، گردشگری پایدار و همچنین استفاده از ظرفیت زنان و جوامع محلی تهیه شد که بسیار مؤثر بود. اما متأسفانه با تغییرات مدیریتی، آن ساختارهای طراحی‌شده و حتی تفرقه‌هایی که با استاندار ایجاد شده بود، دیگر اجرایی نشد.

**❗ در سال‌های اخیر، بحث حفاظت مشارکتی بیشتر مطرح شده و تأکید بر این است که مردم از ابتدای برنامه‌ریزی تا پایان اجرای پروژه حضور داشته باشند. در رویکردی که شما آن را عنوان جنگلداری اجتماعی یاد می‌کنید، مردم دقیقاً کجا قرار دارند؟ آیا نقش آن‌ها صرفاً به‌عنوان نیروی کار است یا فراتر از آن، در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی هم حضور دارند؟**

چه در طرح‌های مدیریت جنگل و چه در جنگلداری اجتماعی که در زاگرس دنبال می‌کنیم؛ چه بخواهیم و چه نخواهیم، مردم بخشی از فرایند، یعنی هم در برنامه‌ریزی و هم در اجرا، هستند. جنگل‌های زاگرس تقسیمات عرفی دارند. شما وقتی وارد یک منطقه جنگلی در زاگرس می‌شوید، مشخص است که هر بخش به کدام روستا، دامدار یا بهره‌بردار عرفی تعلق دارد و مردم دوشان تقسیم‌بندی‌هایی میان خود دارند. بنابراین، نمی‌توانید مانند برخی عرصه‌های دیگر یک مزایده برگزار و یک مجری بیرونی انتخاب کنید.

در زاگرس، شما باید حتماً با مردم کار کنید و وقتی قرار است با مردم کار کنید، چه بهتر که نظر آن‌ها را از همان مرحله طراحی وارد طرح کنیم. ما تسهیلگر داریم، کلاس‌های آموزشی و ترویجی برگزار می‌کنیم، با مردم درباره برنامه‌هایشان گفت‌وگو می‌کنیم، آموزش می‌دهیم، کارگاه برگزار می‌کنیم و قرار است صندوق‌هایی نیز برای آن‌ها طراحی شود.

### پادداشت

در این میان، مدیریت‌های غیرجامع و ناکارآمد کمیسیون‌ی و خلأها و ضعف‌های قانونی موجود، ضمن تزییق ناکارآمدی در بدنه حاکمیت، ضربات جبران‌ناپذیری را به تاب‌آوری کشور و حقوق عمومی و بین‌نسلی وارد ساخته و می‌سازد. شوربخانه بسیاری از پیونده‌های اجرایی، به‌دلیل ضعف دسترسی و شفافیت ساخاری، عموماً در مراحل اجرایی و پس از تولید چالش و بحران، کشف و مطالبه می‌شوند. این مطالبه‌گری، ناگهانی یا نابهنگام، ضمن اینکه می‌تواند از آسیب‌های بعدی جلوگیری و از تحمیل خسارت‌های حقوقی و مالی پیشگیری کند، در میانه عملیات اجرایی طرح‌ها موجب توقف آن‌ها می‌شود و به‌دلیل توقعات ایجادشده، هزینه‌های پیمانکاران، از منافع ذی‌نفعان و مقاومت محلی، هزینه‌های مالی و زمانی جبران‌ناپذیری را بر کشور تحمیل خواهد کرد.

در این میان، نهادهای مردمی بیشتر درگیر شکایت، تنظیم جلسات فنی و طرح انتقادات و پیشنهادهایی می‌شوند که قاعداً باید پیش از شروع طرح، توسط متولیان یا مشاوران، در قالب گفتفانی نیز انجام می‌شد. ثبت بیش از ۳۰۰ پرونده محیط‌زیستی در سال ۱۴۰۳ به‌دلیل عدم کسب مجوز محیط‌زیست یا همان پیوست محیط‌زیستی، متوقف‌بودن احکام اجرایی هزاران پیونده و پیشنهاد تأسیس داذگاه و پیو محیط‌زیست، مشتی از انبوه مشکلات متأثر از نگاه دروان‌محور است و به‌عنوان چالشی جدی در تولید پیونده‌های قضایی تلقی می‌شود.

**ادامه مطلب را در ساید پیام ما بخوانید.**

## سمن‌ها در تنگنای حکمرانی

به همین دلیل و تحت تأثیر ضعف‌های ساختاری، خلأهای قانونی یا عدم التزام عملی سازمان‌های مختلف قانونی به اجرای قوانین، این نهادها نزد برخی افراد حقیقی یا حقوقی، به‌عنوان نهادهایی اصطکاکی و محرکی برای توقف توسعه و پیشرفت تلقی و معرفی می‌شوند؛ غافل از اینکه، خوش‌بینانه، فقدان هرگونه

توجه فنی و محیط‌زیستی مورد قبول در طرح‌ها، در نهایت به توسعه‌ای ناپایدار ختم خواهد شد. بدیهی است با اصلاح ساختاری در نظام مدیریت، کاربست راهبرد پیشگیری، التزام عملی سازمان‌ها و نهادهای مختلف به قانون و برنامه‌ریزی برای اصلاح و به‌روزرسانی قوانین و پرکردن خلأهای محتمل در سطوح مختلف حکمرانی، این نگاه سنگین و تحمیلی از پیکر نطفی این نهادها برداشته می‌شود و سمن‌ها، سبک‌بال، در مسیر ترویج مصادیق آبادانی، موفقیت‌های مورد انتظار را کسب خواهند کرد.

فرایند معیوب تقویش غیرکارشناسانه مسئولیت‌ها و اختیارات در درون ساختارهای مدیریتی، تولید چالش و مسئله‌های عموماً انسان‌ساز امنیتی‌شدن حد یا مزمون چالش‌ها، عامدانه یا غیرعامدانه، و در نهایت تخصیص و تحمیل هزینه و زمان برای رفع چالش‌های ایجادشده، رئیس چهارضلعی مخربی را تشکیل می‌دهد که همواره حاکمیت را با آسیب‌های پیوسته،



اکبر پورداج

افعال آب و محیط زیست

نهادهای مردمی یا سمن‌ها، به‌پشتوانه اصل ۲۶ قانون اساسی، به‌عنوان حلقه‌ای واسطه‌بین حاکمیت و مردم و ابزاری منعطف برای پرکردن خلأ و شکاف ارتباطی و جامعه‌ای بین دولت و مردم، با هدف دانش‌افزایی، توانمندسازی، ترویج مشارکت عمومی، نظارت بر عملکرد حکمران، تولید سرمایه اجتماعی و نبل به اهداف پیش‌بینی‌شده در قانون، تأسیس و ترویج شدند. کارکرد کنشگرانه این نهادها، به‌ویژه در موضوع محیط‌زیست، به‌دلیل ضعف شفافیت و دسترسی به داده‌ها و دخالت‌ندادن نهادها در مراحل مختلف طرح‌های توجیهی، همواره در سطح کشف جرم و در قالب توقف یا تأخیر در پیشرفت طرح‌های اجرایی، به‌دلیل نداشتن توجیه فنی یا محیط‌زیستی، محدود و خلاصه می‌شود. این نهادها به‌دلیل صعوبت کنشگری در این مرحله و وجود مقاومت‌های مختلف از سوی سیاسیون، ذی‌نفعان، ذی‌مخلدان و بهره‌برداران، به‌تدریج دچار فرسودگی، اصطکاک و ریزش می‌شوند.

با نزدیک شدن نسل اول پنل‌ها و توربین‌ها به پایان عمر

مسئله پسماند تجهیزات انرژی پاک جدی‌تر می‌شود

# تجدید حیات تجدیدپذیرها

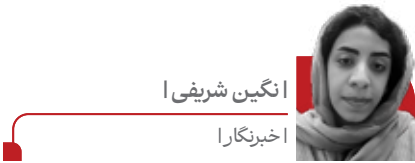
از تعمیر و بازتوانی تا استفاده دوباره و بازیابی سیلیکون، نقره و مس

صنعت تجدیدپذیر در پی بازگرداندن تجهیزات فرسوده به چرخه تولید است



ایستگاه نیروی تجدیدپذیر

پنل‌های خورشیدی و توربین‌های بادی قرار است جهان را از سوخت‌های فسیلی دور کنند؛ اما وقتی این تجهیزات به پایان دوره بهره‌برداری خود می‌رسند، اگر تمام‌شان به زباله تبدیل شوند، مشکل دیگری به مشکلات محیط‌زیستی افزوده می‌شود.
باین‌حال، پژوهش‌های اخیر نشان داده‌اند که می‌توان با استفاده دوباره، بازتوانی و بازیابی موادی مانند نقره و سیلیکون از پنل‌ها و توربین‌ها، بخشی از مشکل را حل و انرژی سبز را واقعاً معنا کرد.



انگین شرفی‌ا

اخیرکارا

سال‌هاست انرژی‌های پاک، مانند انرژی خورشیدی و بادی، به عنوان نجات‌دهنده زمین از نابودی در نظر گرفته شده‌اند و به همین دلیل، در سال‌های اخیر با سرعتی کم‌سابقه در جهان گسترش پیدا کرده‌اند. میلیون‌ها پنل خورشیدی و هزاران توربین بادی در خشکی و دریا به شبکه‌های برق متصل شده‌اند. اما در این میان، یک پرسش کمتر دیده‌شده وجود دارد: هنگامی که این تجهیزات نتوانند مانند گذشته برق تولید کنند، چه اتفاقی می‌افتد؟

بسیاری از نیروگاه‌های خورشیدی نسل اول که بین سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۱۰ ساخته شدند، به تدریج وارد سال‌های پایانی عمر خود می‌شوند و در کنار آن‌ها، توربین‌های بادی قدیمی نیز نیازمند تعمیر یا جایگزینی هستند.
براساس گزارش وزارت انرژی آمریکا، صنعت انرژی دیگر فقط به دنبال ساخت پنل و توربین نیست، بلکه به دنبال برنامه‌ای برای روز پس از پایان عمر آن‌هاست. پاسخ فعلی به این مسئله، حرکت به سمت «اقتصاد چرخشی» است؛ اقتصادی که در آن تجهیزات فرسوده به زباله تبدیل نمی‌شوند، زیرا در ابتدا تلاش می‌شود عمر آن‌ها افزایش یابد، سپس تعمیر شوند و در نهایت، اگر هیچ راه دیگری نبود، مواد تشکیل‌دهنده آن‌ها

چنین شرایطی، صاحب نیروگاه ترجیح می‌دهد به جای پنل‌های قدیمی، تعداد کمتری پنل جدید نصب و برق بیشتری تولید کند. اما پتلی که دیگر به کار نیروگاهی بزرگ نمی‌آید، ممکن است برای یک پروژه کوچک ارزشمند باشد.

براساس مطالعات «IEA PVPS» (برنامه سامانه‌های فتوولتائیک آژانس بین‌المللی انرژی) در سال ۲۰۲۶، قدم اول برای پنل‌های خارج‌شده از نیروگاه، آزمایش و دسته‌بندی آن‌هاست. پنل‌ها با روش‌های مختلفی ارزیابی می‌شوند تا مشخص شود کدام پنل سالم است، کدام را می‌توان تعمیر کرد و کدام دیگر ارزش استفاده ندارد. در نتیجه، به جای اینکه همه پنل‌های قدیمی راهی کارخانه بازیافت شوند، به سه گروه تقسیم می‌شوند: پنل سالم برای استفاده مجدد، پنل قابل تعمیر برای بازسازی و پنل غیرقابل استفاده برای بازیافت.

یکی از نمونه‌های این رویکرد در آمریکا دیده می‌شود. شرکت «SOLARCYLE» پنل‌های خارج‌شده از نیروگاه‌ها را پیش از فرستادن برای بازیافت آزمایش می‌کند تا توان تولید برق، وضعیت سازه‌ای، ظاهر پنل، شیشه، قاب، اتصالات و جعبه اتصال را بررسی کند. اگر پنل همچنان عملکرد قابل‌قبولی داشته باشد، می‌تواند در پروژه‌ای دیگر به کار گرفته شود. پنل‌هایی که دیگر از نظر عملکرد یا ایمنی مناسب نباشند، به مسیر بازیافت فرستاده می‌شوند.

**❗ وقتی بازیافت تنها راه باقی‌مانده است**

اما بالاخره بخشی از پنل‌ها به مرحله‌ای می‌رسند که دیگر قابل تعمیر یا استفاده مجدد نیستند. یک پنل خورشیدی از مواد مختلفی تشکیل شده است: شیشه، آلومینیوم، مس، سیلیکون و فلزات ارزشمندی مانند نقره. در روش‌های متداول، ابتدا قاب آلومینیومی و برخی اجزای خارجی جدا می‌شوند و سپس پنل تحت فرایندهای مکانیکی قرار می‌گیرد.

گزارش «IEA PVPS» دراین باره می‌نویسد: «بازیافت مکانیکی از روش‌های رایج است و بخش قابل‌توجهی از شیشه و فلزات را بازیابی می‌کند. اما فناوری‌های جدید می‌خواهند سیلیکون و فلزات ارزشمند با خلوص بالا را نیز بازیابی کنند تا این مواد بار دیگر وارد فرایند تولید شوند. در روش‌های حرارتی و شیمیایی هم تلاش می‌شود لایه‌های مختلف پنل از یکدیگر جدا شوند و مواد ارزشمند با کیفیت بالاتری بازیابی شوند. بنابراین، پنل فرسوده نوعی معدن شهری است که به جای قرارگرفتن در دل زمین، روی سقف خانه‌ها و در نیروگاه‌های خورشیدی قرار دارد.»

گزارش «ویوتیز» در اوت ۲۰۲۶ نشان می‌دهد ارزش نقره، مس و سیلیکون موجود در این پنل‌ها می‌تواند تا سال ۲۰۴۰ به حدود ۶ میلیارد دلار در سال برسد. این رقم نشان می‌دهد که بازیافت پنل‌ها صرفاً یک مسئله محیط‌زیستی نیست. با افزایش نیاز جهان به مواد معدنی مورد استفاده در فناوری‌های پاک، پنل‌های خورشیدی قدیمی می‌توانند به منبعی برای استخراج دوباره موادی مانند سیلیکون، نقره، مس و آلومینیوم تبدیل شوند. اهمیت چنین زیرساختی وقتی بیشتر مشخص می‌شود که به حجم احتمالی زباله‌های آینده نگاه کنیم. مطالعه‌ای که در سال ۲۰۲۶ با نام «به سوی آینده‌ای عادلانه برای بازیافت جهانی پسماندهای فتوولتائیک» در مجله «Nature» منتشر شد، برآورد می‌کند که حجم جمعی زباله‌های فتوولتائیک جهان تا سال ۲۰۶۰ به ۲۹۷ میلیون تن برسد. بنابراین، مسئله پایان عمر پنل‌ها به مسئله‌ای جهانی تبدیل شده است.

**❗فرانسه؛ پیشگام در بازیافت**

در این میان، فرانسه از کشورهای پیشرو در ایجاد زیرساخت بازیافت پنل‌های خورشیدی بوده است. یکی از این زیرساخت‌ها، مرکز شرکت «Veolia» در شهر «Rousset» است که برای بازیافت پنل‌های فتوولتائیک راه‌اندازی شده است. در این مرکز، شیشه، قاب آلومینیومی، پلاستیک، سیلیکون، کابل‌ها و اتصالات از یکدیگر تفکیک می‌شوند. سپس هر ماده به یک مسیر صنعتی متفاوت می‌رود. شیشه بازیابی‌شده به صنعت شیشه، آلومینیوم به صنعت آلومینیوم و کابل‌ها پس از پردازش، به شکل مس قابل استفاده مجدد وارد بازار می‌شوند.

**❗وضعیت متفاوت توربین‌های بادی**

اگر مسئله پنل‌های خورشیدی بیشتر به حجم آینده

زباله و بازیابی مواد مربوط باشد، در توربین‌های بادی، پره‌ها دردرسر اصلی را ایجاد می‌کنند. وزارت انرژی آمریکا در سال ۲۰۲۵ دراین باره می‌نویسد که بخش بزرگی از توربین‌های بادی از فولاد، آهن، مس و آلومینیوم ساخته شده است؛ موادی که راه بازیافت آن‌ها مشخص است. اما ترکیب سازنده پره‌های توربین متفاوت است. در تولید پره‌ها، برای حمل نیروی باد، از کامپوزیت‌هایی مانند فایبرگلاس یا فیبر کربن و رزین استفاده می‌شود. این ترکیب باعث سبک‌شدن و مقاومت پره‌ها شده، اما جد‌کردن اجزای آن‌ها را دشوارتر کرده است. به همین دلیل، بخش قابل‌توجهی از تلاش صنعت برای اقتصاد چرخشی توربین‌های بادی، روی پره‌ها متمرکز است.

یکی از راه‌ها، تبدیل پره‌های قدیمی به سازه‌های دیگر است. نمونه‌هایی از این رویکرد، استفاده از آن‌ها در پل‌های عابر، نیمکت، سایه‌بان، موانع صوتی و سازه‌های شهری است. در این روش، فقط کاربری پره‌ها تغییر می‌کند. البته سازه‌هایی که می‌توان از این پره‌ها ساخت، محدود است. بنابراین، استفاده مجدد احتمالاً فقط بخشی از مشکل را حل می‌کند. راه‌حل دیگر در صنعت بادی، «Repowering» یا بازتوانی است. در این روش، بخش‌هایی از تجهیزات نیروگاه قدیمی تعویض می‌شود و سال‌ها به عمر آن اضافه می‌شود. بخش‌های قابل استفاده نیروگاه حفظ و بخش‌های فرسوده با فناوری جدید جایگزین می‌شوند.

**❗بازیافت پره‌ها؛ آخرین راه‌حل**

گزینه دیگر، بازیافت مکانیکی است. در این روش، پره‌ها خرد می‌شوند و مواد حاصل در تولید مصالح ساختمانی، سیمان و سایر محصولات استفاده می‌شوند. البته محصول نهایی معمولاً کیفیت و ارزش پره اولیه را ندارد. برای حل این مشکل، فناوری‌های حرارتی و شیمیایی در حال توسعه‌اند. در روش‌هایی مانند پیرولیز، پره تحت حرارت قرار می‌گیرد تا رزین تجزیه شود و الیاف شیشه یا کربن باقی بمانند. این الیاف می‌توانند دوباره در تولید محصولات کامپوزیتی استفاده شوند. شرکت «Carbon Rivers» در آمریکا از جمله شرکت‌هایی است که روی این فناوری کار کرده و توانسته است الیاف شیشه بازیافتی با خلوص بسیار بالا تولید کند. حالا صنعت انرژی در تلاش است توربین‌های آینده را طوری طراحی کند که در پایان عمر، دردرسر کمتری داشته باشند. یکی از ایده‌ها، استفاده از مواد و رزین‌هایی است که جداسازی آن‌ها آسان‌تر باشد.

چنین تغییریری در طراحی اهمیت زیادی دارد، زیرا اگر یک پره از ابتدا به گونه‌ای ساخته شود که بتوان مواد آن را در پایان عمر جدا کرد، بازیافت آن بسیار ساده‌تر خواهد بود. در پنل‌های خورشیدی نیز همین منطق در حال گسترش است و طراحان به دنبال ساخت محصول به شکلی هستند که قاب، شیشه، سلول‌ها و سایر اجزا در پایان عمر راحت‌تر از یکدیگر جدا شوند.

مجموع این فناوری‌ها یک نکته را روشن می‌کند: برای تجهیزات انرژی‌های تجدیدپذیر («بازیافت» لزوماً نخبه‌انگیز و واکنش به پایان محصولات نیست. این نگاه، تفاوتی مهم با مدل سنتی مدیریت زباله دارد. در مدل سنتی، زمانی که محصول دیگری برای کاربری اولیه مناسب نیست، عملاً از چرخه استفاده خارج می‌شود. اما در اقتصاد چرخشی، پایان یک کاربرد می‌تواند آغاز کاربردی دیگر باشد. انرژی پاک بدون اقتصاد چرخشی کامل نمی‌شود گذار انرژی تا امروز عمدتاً با یک سؤال ستجیده شده است: جهان چقدر توانسته ظرفیت خورشیدی و بادی نصب کند و چه مقدار از برق خود را از منابع پاک تأمین می‌کند؟ اما با نزدیک شدن نخستین نسل بزرگ تجهیزات تجدیدپذیر به پایان عمرشان، سؤال دیگری نیز اهمیت پیدا می‌کند: با خود تجهیزات چه می‌کنیم؟ پاسخ به این سؤال تعیین‌کننده آن است که انرژی تجدیدپذیر تا چه اندازه واقعاً پایدار خواهد بود.

پنلی که دوباره برق تولید می‌کند، توربینی که با بازتوانی به کار ادامه می‌دهد و موادی مانند سیلیکون و نقره که از تجهیزات فرسوده بازیابی می‌شوند، همه نشانه یک تغییر بزرگ‌ترند. در نتیجه، نسل بعدی انرژی پاک نه تنها باید برق بدون سوخت فسیلی تولید کند، بلکه تجهیزات خود را نیز دوباره وارد چرخه تولید کند.

| خبر |

رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست تأکید کرد

## استفاده از ظرفیت علمی دانشگاه‌ها برای مقابله با آلودگی هوا



پنل‌های قدیمی لزوماً

زباله نیستند

پنل سالم می‌تواند

در پروژه‌ای کوچک‌تر

استفاده شود، پنل قابل

تعمیر بازسازی شود

و تنها پنل‌های غیرقابل

استفاده به مسیر

بازیافت فرستاده شوند

رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست با تأکید بر ضرورت بهره‌گیری از ظرفیت دانشگاه‌ها، استفاده از دانش و دیدگاه‌های تخصصی استادان و صاحب‌نظران را پشوتانه‌ای مهم برای مدیریت و کاهش آلودگی هوا دانست.

«شینا انصاری» در کارگروه همکاری دولت و دانشگاه برای مدیریت آلودگی هوا، با حضور «یوسف حجت»، رئیس «دانشگاه تربیت مدرس» و رئیس این کارگروه، و جمعی از استادان و صاحب‌نظران این حوزه گفت: ورود ظرفیت علمی و دانشگاهی به موضوع آلودگی هوا، به‌عنوان یکی از ابرچالش‌های محیط‌زیستی کشور، اقدامی ارزشمند است و سازمان از دیدگاه‌های تخصصی و مشورتی دانشگاهیان استقبال می‌کند.

او مدیریت آلودگی هوا را یکی از مهم‌ترین اولویت‌های محیط‌زیستی کشور دانست و افزود: براساس پیمایش اجتماعی «نهادریاست‌جمهوری» در سال ۱۴۰۳، حل مشکل آلودگی هوا از مطالبات مهم مردم از دولت بوده است و به‌رسمیت‌شناختن آن به‌عنوان مسئله‌ای پیچیده و چندبعدی، نخستین گام برای حل آن است.

انصاری با اشاره به شرایط اقتصادی، تحریم‌ها، ناترازی انرژی و محدودیت منابع آب گفت: با وجود محدودیت‌ها، اقدامات مربوط به آلودگی هوا متوقف نشده است. طی دو سال گذشته حدود ۶۵۰ هزار خودروی فرسوده اسقاط شده و آیین‌نامه ماده ۱۰ «قانون ساماندهی صنعت خودرو» نیز با هدف ایجاد ابزارهای تشویقی برای افزایش اسقاط اصلاح شده است.

او افزود: سال گذشته برای نخستین‌بار حدود ۴۰ میلیون لیتر مازوت کم‌گوگرد در اختیار نیروگاه‌ها قرار گرفت. استفاده از این سوخت در نیروگاه «شازند» سبب شد تعداد روزه‌ای آلوده ناشی از دی‌اکسید گوگرد در اراک از ۲۸ روز در سال ۱۴۰۳ به دو روز در سال ۱۴۰۴ کاهش یابد.

رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست توسازی ناوگان فرسوده را از اولویت‌های اصلی کاهش آلودگی هوا عنوان کرد و گفت: توسازی کامیون‌ها و کشنده‌های بالای ۵۰ سال، جایگزینی ۲۰ هزار موتورسیکلت فرسوده با موتورسیکلت‌های برقی، اصلاح سازوکار معاینه فنی و الزام انجام آزمون آلایندگی در انتهای خط تولید خودرو در دستور کار قرار دارد.

انصاری همچنین توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر را در کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی مؤثر دانست و گفت ظرفیت این انرژی‌ها از حدود ۱۲۰۰ مگاوات در ابتدای سال ۱۴۰۳ به حدود ۶۰۰۰ مگاوات رسیده است. او از اعضای کارگروه خواست راهکارهای کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت خود را با توجه به محدودیت منابع ارائه کنند. او با تأکید بر ضرورت جلوگیری از ایجاد ساختارهای موازی گفت کارگروه علمی باید در حوزه تخصصی خود فعالیت کند و پیشنهادهای آن در چارچوب وظایف دستگاه‌های اجرایی دنبال شود. ارتباط عمومی سازمان حفاظت محیط‌زیست



### سازمان ثبت اسناد واملاک کشور

### حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین

### آگهی فقدان سند مالکیت

سند مالکیت خانه وضعیت خاص طلق با کاربری مسکونی به پلاک ثبتی ۴۷۷ فرعی از ۱۵۳۴ اصلی، مفروز و مجزا شده از ۲۴ فرعی از اصلی مذکور، در طبقه واقع در بخش ۵۳ ناحیه ه حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین استان قزوین به مساحت ۱۰۸/۳ متر مربع مالکیت رضا / محمدزاده اوجور فرزند گلرمادر شماره شناسنامه ۳۱۱۵ تاریخ تولد ۱۳۶۱/۱۱/۲۶ صادره از قزوین دارای شماره ملی ۴۳۲۳۵۶۵۱۲۷ با جز سهم ۱/۷ از کل سهم ۶ بعنوان مالک یک ممیز هفت دهم دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۱۰۸۳۳ تاریخ ۱۳۹۸/۰۳/۰۸ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۸۷ شهر قزوین استان قزوین، موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۶۷۱۷۵۱ سری ج سال ۹۷ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۸۲۰۳۰۹۰۵۰۰۰۰۰۰۰ ثبت گردیده است. رهن و بازداشت ندارد.

سپس مالک با ارائه دو برگ فرم شهادت شهود مدعی فقدان سند به علت نامعلوم مفقود گردیده و تقاضای صدور سند مالکیت المثنی خود را نموده که مراتب به اسناد ماده ۱۲۰ آئین نامه اصلاحی قانون ثبت اعلام می‌گردد تا هر کس به نحوی از هرحاء نسبت به ملک مذکور حقی داشت و یا معاملاتی به نفع او شده و یا مدعی وجود سند نزد خود باشد تا تاریخ انتشار این آگهی تا مدت ده روز ضمن مراجعه به این اداره اعتراض خود را با ارائه اصل سند مالکیت و سند معامله تسلیم نماید و چنانچه ظرف مدت مقرر اعتراض به این اداره نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت ارائه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد این آگهی در یک نوبت به شرح ذیل منتشر خواهد شد.

**سید محمود حسینی - سرپرست حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین**

**از طرف زهرا آقاآئی**

**شناسه آگهی: ۲۲۷۲۳۷۸**

### نوبت اول



### سازمان ثبت اسناد واملاک کشور

### آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف ثبتی و

### اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵/۰۳/۰۹۹

مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۴ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف

وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شفت تصرفات مالکانه

بلامعارض متقاضی آقای حمید رحمانیان فرزند علیرضا

شماره شناسنامه ۲۶۵ در شش‌دانگ یک قطعه زمین مشتمل

بر مستحدثات به مساحت ۱۴۳/۸۰ مترمربع می‌باشد.

به شماره پلاک ثبتی فرعی ۱۲۵۴ مجزی شده از پلاک ۸۸

فرعی واقع در قریه جویر شفت سنگ اصلی ۵۲ بخش ۲۱

گیلان خریداری از مالکیت رسمی احمد نیکخواه گردیده

است.

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز

آگهی می‌شود در صورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند

مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ

انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این

اداره تسلیم و ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض،

دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی

که در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض و یا

عدم ارائه گواهی تقدیم دادخواست وفق مقررات نسبت به

ادامه عملیات ثبتی و صدور سند مالکیت اقدام خواهد شد .

**تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۱۷**

**تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۷/۰۱**

**نعمت ذوقی - رئیس اداره ثبت اسناد واملاک شفت**

**شناسه آگهی: ۲۲۷۱۰۵۵**

**م الف: ۱۰۰۶**





